

## عنوان مقاله:

رگه های فرهنگی هویت در شاهنامه ی فردوسی

## محل انتشار:

پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی) (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

## نویسندگان:

محسن محمدی کردیانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

ابراهیم استاجی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

## خلاصه مقاله:

یکی از اصولی ترین نیازهای بشر در طول تاریخ برقراری ارتباط با دیگران بوده است و یکی از اصولی ترین نیازهای این ارتباط داشتن زبانی است که بتوان با جهان بیرون و دیگر افراد ارتباط برقرار کرد. در طول تاریخ زبان وظیفه ای دارد که نمی توان آن را پنهان کرد و این وظیفه در هویت بخشی به افراد نقش مهمی را ایفا می کند. هویت یکی از اصولی است که هر فرد بدون داشتن آن گویی چیزی را گم کرده است و زندگی در جهان کنونی را برای او شکل می دهد چرا که بر اساس همین هویت بخشی است که افراد خود را به دیگران معرفی می کنند. شاهنامه فردوسی یکی از پرمایه ترین و بی نیازترین گنجینه های زبان فارسی از نظر برداشت نغزات و اصطلاحات ادبی و رگه های ختلف هویت در زبان پارسی است و بی شک ازین جهت بزرگترین و نخستین کتابیست که پاسدار کلمات درست و زیبایی زبان دری گردیده و آنها را با صحت و امانت به دست ماسپرده است و یا دین و آیین و باورها و سنت ها و همچنین زادگاه را در خود گنجانده است. فردوسی بانمایش دادن این دامنه هویتی فصیح و دلنشین در شارسرستان شکوهمند اشعار شیرین خود واژه ها و اصطلاحات اصیل را شهر بند کرده و آنها را از بی سر و سامانی و دریدری و آفات تحریف و فراموشی و سر گشتگی نجات بخشیده است و در این پژوهش ما نشان دادیم که فردوسی این مرد ماندگار زبان و ادبیات فارسی چگونه باتکیه بر زبان فارسی هویت ایرانی را در شاهنامه نشان می دهد.

## کلمات کلیدی:

هویت، شاهنامه فردوسی، زبان، سنت، زادگاه، اسطوره

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/849754>

